

اند. با این پیش فرض سعی می شود مسایل طرح شده پاسخ داده شود همانگونه که ذکر شد نخستین گام ماهیت شناسی است که به آن فلسفه نیز می گویند!!

دین چیست؟ شاید این مهمترین سؤال همه انسان ها در همه اعصار باشد از آن زمان که توتم ها و بت ها را پرستش می کردند تا زمانی که به ادیان آسمانی ایمان آوردند و حتی آن گاه که به نحله های فکری فلسفی دل سپردند ماهیت دین پرستش اصلی بوده است.

تعالی و تنوع دین این نظریه را ثابت می کند. دین مجموعه از دستورالعمل های وحی شده در قالب کتاب های مذهبی سنت بزرگان دینی، شناخت، تجربه و شهود شخصی و حضور مستمر انسان در تقابلات دائمی و ابدی خیر و شر است و اما هنر پدیده ای است که در فرایند هم آمیختگی اندیشه و زیبایی برای بیان دیگر گونه، بهجت و تأمل برانگیز دریافت ها، شهود و تجربه هنرمند بوجود می آید. اگر محصول دین را ایمان و نتیجه هنر را هنر بدانیم هر دو یک فرایند اند در هر دو تجربیات، شناخت، آگاهی و شهود نقش مهمی دارند هر دو مبتنی بر پیش داده ها و قواعد و دستورالعمل ها هستند. اما نزدیکی هنر و دین بیش از این است، تقابل بین خیر و شر، سیاهی و سپیدی - تاریکی و روشنایی، بد و خوب، انتاگونیست و پارا تاگونیست به عنوان عضو اصلی درام، در مذهب نیز وجود دارد. از سویی اگر کاتارسیس یا تهذیب نفس را، ماحصل هنر بدانیم، دین نیز به پاکي نفس اعتقاد راسخ دارد همچنین مذهب، تاریخ و زبان (هنر) علاوه بر آن که عناصر تشکیل دهنده فرهنگ هستند محصولی (فرهنگ) را تولید می کنند که همانند دین، اخلاقی را توسعه و رشد می دهد همین تناسبات و نزدیکی، خدمات متقابلی را هنر و دین را بوجود آورده است. از یک سو دین چه به عنوان معنا و محتوا و چه به عنوان عامل مشروعیت بخشی به هنر در جوامع دین مدار به هنر کمک کرده است. و هنر نیز مفاهیم را ترویج داده است. رویکرد و نوع تعامل هنر با دین به گونه های مختلفی بوده است نخست آنکه هنر به دین به عنوان یک سوژه نگریسته است که مصداق آن خواهد آمد. دوم دین به مثابه موضوع هنر است. مثلاً یک تجربه دینی همچون معجزه مکاشفه و شهود، عرفان، شک، ایمان و عصیان مورد بررسی هنری قرار می گیرد. یا هنر از نتایج دین که کردار، پندار و رفتار نیک است در جهت تولید یک اثر انسانی استفاده می کند. مصداق پرداخت هنر به دین به عنوان سوژه به فیلم های تاریخی و فاخری بازمی گردد که هدف در آن ها روایت صرف تاریخ است. مثل فیلم فرمانروایان بهشت یا السیت که هر دو به جنگ های صلیبی می پردازد. سینما با فیلم های همچون برادر خورشید خواهر ماه فرانکو فیرونی، ترز ساخته آلن کاوالیه و آهنگ برنات سوسی در کشف تجربیات مذهبی از خلال روایت تاریخ است. تنوع جهان بینی و کیفیت تعامل فرد هنرمند با جهان اطراف نیز اگر مبتنی بر باور دینی باشد اثر دینی خلق می شود. یا هنرمند سعی می کند تا با هماهنگ کردن عمق و احساس

یک تجربه دینی را خلق نماید.

همچنین برخی از مناسک دینی همچون حج، نماز و دسته روی ها در واقع نمایش های آیینی اند که عبارت هستند از حرکات تعیین شده به همراه کلمات خاص که بصورت تکرار و پشت هم می آیند و برخی از نمایش ها نیز به دلیل پرداخت به یک واقعه مذهبی ساختی مقدس می یابند همچون تغذیه که از جایگاه آیینی برخوردار است. آنچه تاکنون آمد در واقع نقاط نشان دادن شباهت ها و خدمات متقابل بود، لیکن دست یابی به هنر دینی خصوصاً سینما که در حوزه ژانرها (اثر ژانر - ژانر، زیر ژانر) قابل تعریف است، می بایست با تعریف سینمای دینی در قالب ژانر صورت گیرد تا آنرا قاعده مند نمود. به این ترتیب امکان نقد و بررسی آن فراهم می شود. اگرچه شکستن قواعد ژانر نیز مطرح است که آن نیز به عنوان فرصتی است که ژانر آن را فراهم می آورد. اگر یک اثر سینمایی شامل قصه، معنا و ترکیب بندی باشد در حوزه معنا با نگاهی به تعزیه (به عنوان یک هنر ایران اسلامی) حماسه، سوگ، نوستالژی، مهمترین محورهای معنایی را تشکیل می دهند. ذکر این مسئله نیز ضروری است که معانی تابع دریافت ها و ادراکات است و ممکن است تغییر یابد و یا زوایای جدیدی از آن کشف شود. سوگ نیز به عنوان یک مؤلفه دیگر قابل تأمل است در عین آن که از قاعده تغییر و تبعیت می کند. نوستالژی یا حسرت مقدس به عنوان قاعده ای مهم ضمن ایجاد حس (کارکرد حماسه و سوگ) نوعی تفکر و تأمل را نیز به همراه دارد. در حوزه فرم (مشخصات ترکیب بندی) نیز تعزیه یک نمونه عالی است. شکل میدانی اجرای تعزیه به همراه موسیقی و لحن که هماهنگ با سه عنصر معنایی است و فاصله گذاری، مبتنی بودن بر تجربه هر یک از مخاطبین در مورد سوژه یا موضوع (مشخصاً کربلا و عاشورا) ترکیب بندی رنگ که در لباس ها قابل شناخت است، ریتم حماسی، تکرار موتیف ها در قالب حرکات و احساسات اشقیاء و اولیا، بینامتنیت و تأثیر که تعزیه از ادبیات و هنر پیش از خود و حتی بیش از اسلام برده است، اصل اسطوره ایرانی که در قالب سیاوش (نماد ایمان و حماسه) دیده شده و در این هنر تکرار می شود. نشانه شناسی که شامل همان اسطوره، رنگ و ... می شود نیز در تعزیه قابل پی گیری است. اما این سؤال مطرح است که آیا تعزیه قابل تعمیم به سینما و حتی تئاتر است. قطع نظر از تجربیات معاصر همچون فیلم - تئاتر که بصورت مستقیم از ظرفیت های دو رسانه بهره می گیرد و همچنین تئاتر خیابانی که تشابه های با تعزیه دارد، اصل نه بر استفاده خام صرف از ظرفیت های یک اثر بلکه شناخت تفسیر و تحلیل آن و تعمیم ویژگی و عناصر آن به دیگر هنرهاست. اگر هنرمند بداند برای تولید اثر دینی قطع نظر از جهان بینی، قواعد و شناسه هایی نیز وجود دارد، تولید هنر دینی ممکن می شود. هنری که در صورت تحقق به دلیل داشتن مؤلفه های بومی می تواند به عنوان یک هنر مؤلف و مستقل معرفی گردد. این تجربه در معرفی و موفقیت هنر اسلامی - ایرانی بسیار مؤثر است، چرا که هنوز تفاوت های فرهنگی و صحیح تر شاخص های متمایز کننده فرهنگ ها مورد توجه نهادهای علمی و فرهنگی جهان است.

جایگاه دین در هنر بارویکر دسینما و تئاتر

حسین نادعلی زاده



نوع و جنس تعامل و ارتباط دین با برخی از دستاوردهای بشری همچون علم، تفکر و فرهنگ یکی از مباحث مهم فلسفه دین است. البته این یک رابطه دو سویه است به طوری که در مبحث ماهیت شناسی علم، تفکر و فرهنگ نیز به دین توجه و اشاره شده است به خصوص که در برخی از ادیان به علم و تفکر توصیه شده و مذهب یکی از عناصر دین معرفی شده است. اگرچه در نحله‌ها و تفکرات و نظریات فلسفی همواره بحث‌های چالش برانگیز و حتی متضاد نیز طرح شده است. در سال‌های

گذشته و پس از احساس ضرورت عملی و اجرایی نمودن آموزه‌های

دینی، نخستین پرسش رابطه‌یابی بین دین و انسان و تولیدات او بوده است. لیکن علیرغم مشخص بودن پرسش و طرح کلیاتی در این رابطه هنوز نظریه‌ی کاربردی‌ای در این خصوص ارائه نشده است و مباحثی همچون هنر دینی در حد همان کلیات غیرقابل استناد ولی تأویل پذیر و مبتنی بر تفاسیر سطحی باقی ماند. همین مسئله سبب شد تا رویکردهای چندگانه به وقوع بپیوندد که حاصل آن پیدایش موج‌های فصلی و خاموشی و عدم تداوم و توسعه تئوریک و عملی هنر دینی شد. به طوری که علیرغم برگزاری همایش و انجام پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها هنوز نمی‌توان بر نقطه‌ی هنری دینی به عنوان اتکا یا گذشت و همچنان خلاء به پیشواز کسانی می‌آید که می‌خواهند وارد این وادی شوند. یکی از همین تناقض‌های مهم شکل‌گیری نوعی تفکر بود که در شکل عملی و نه نظری هنر را به دو دسته دینی و غیردینی و حتی ضد دینی تقسیم می‌کرد. که در مقابل آن جریانی شکل گرفت که منکر هنر دینی به معنی قداست بخشی به یک اثر هنری شد. و جریان دیگری نیز اساساً هنر را در هر شکل یک پدیده مقدس قلمداد کرد و ورود به هنر را داخل شدن به محیط و جغرافیای مقدس دانست. عده‌ای نیز اساساً هنر دینی را رد کرده‌اند به همان اندازه که جزمیت نظریات تقسیم بندی هنر به مقدس و غیرمقدس غلط است. نظر وادی کسانی که اعتقاد دارند اساساً هنر قدسی و هنر دینی وجود ندارد افراطی و فاقد مبانی عقلی است. بررسی ارتباط دین و هنر و نوع و گونه برخورد این دو با هم مستلزم بررسی مسائلی است همچون:

- ۱- شناخت چیستی دین
- ۲- شناخت ماهیت هنر؟
- ۳- تقابل یا تعامل دین و هنر؟
- الف: نحوه برخورد دین با هنر
- ب: شیوه برخورد هنر با دین
- ۴- نقاط مشترک دین و هنر
- ۵- نقاط اختلاف و افتراق دین و هنر
- ۶- بررسی نحوه تعامل هنر با دین

- الف: دین به مثابه سوژه
- ب: دین به مثابه موضوع
- ۷- کارکرد مذهب و هنر در ساخت فرهنگ

۸- بهره‌گیری دین از قابلیت‌های نمایشی در شکل دهی به برخی از مناسک مذهبی

۹- معنا به عنوان یکی از دو عنصر اصلی هنر (فرم عنصر دیگر است) و بهره‌گیری از دین به عنوان معنا

- ۱۰- بهره‌گیری از جهان بینی دینی در ساخت یک اثر
- ۱۱- تلاش در جهت ایجاد حسی مذهبی از طریق هنر
- ۱۲- هنر دینی به مثابه یک ژانر یا یک تئوری

در پاسخ گویی به مسائلی ذکر شد، بیشتر سینما و تئاتر مورد نظر است چون مهمترین مباحث طرح شده در حوزه هنر دینی مربوط به این دو بخش است. مثلاً مباحث مربوط به موسیقی، شکلی فقهی و کلامی دارد. همچنین برخی از وجوه هنرهای تجسمی نیز از همین قانون تبعیت می‌کند و نیز در هر دو شاخه هنری ذکر شده به دلیل ریشه داشتن در فرهنگ ایرانی و اسلامی و مباحث هنر دینی آن گونه پیچیده نیست و نوعی درهم آمیختگی بین مثلاً هنر نگارگری و خوشنویسی با دین وجود دارد. ولی سینما و تئاتر بدلیل وارداتی بودن همیشه مورد مذاقه و کنکاش قرار گرفته